

نگاهی انتقادی به آرای مستشرق سوئیسی بور کهارت در بارهٔ مکهٔ مکرمه و حج

a-shams@araku.ac.ir

ms.nejati@hzrc.ac.ir

کلیه علی شمس / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه اراک

محمدسعید نجاتی / دکترای تاریخ اسلام پژوهشکدهٔ حج و زیارت

دریافت: ۹۷/۹/۲۰ - پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۹

چکیده

این مقاله برای اثبات وجود داده‌های مهم و ارزشمند در کنار داده‌ها و تحلیل‌های خطا در آثار مستشرقان دورهٔ استعمار، با مطالعهٔ موردی عملکرد جان لوئیس بور کهارت، مستشرق سوئیسی، در کتاب «سفر به عربستان» است. موضوع اصلی این پژوهش بررسی ویژگی‌های اثر بور کهارت به عنوان یک مستشرق قرن نوزدهم است. پس از معرفی اجمالی بور کهارت، نقاط قوت وی در این اثر در محورهای جامعیت و گستردگی مطالب؛ توجه به تاریخ اجتماعی حرمین؛ تحقیق میدانی و بسنده نکردن به نقلیات؛ پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیر؛ و دقت در نقل و اندازه‌گیری اماکن جغرافیایی و سپس نقاط ضعف او در این کتاب در دو دسته خطاهای نقلی و خطاهای تحلیلی بررسی شده است. خطاهای مربوط به آیین حج؛ خطاهای تاریخی مربوط به اماکن تاریخی مربوط به احکام حج و عمره، خطاهای تحلیلی مربوط به برده‌داری در اسلام، سنت احرام، نگاه قرآن به اهل کتاب، مهریهٔ دختران مکه، معرفی مذاهب اسلامی و تعصب‌ورزی بر ضد اسلام، از جمله خطاهای او در این اثر است. وجود نکات مثبت در کنار خطاها در اثر او، اثبات‌کنندهٔ نظریهٔ «امکان بهره‌مندی علمی از آثار علمی مستشرقان» در کنار هوشیاری و گوش به زنگی در خصوص خطاهای علمی و جهت‌گیری مذهبی و سیاسی آنان است.

کلیدواژه‌ها: بور کهارت، مستشرقان، حجاز، مکه، حج.

قرن نوزدهم قرن حمله نظامی اروپاییان به سرزمین های اسلامی بود که در پی شکوفایی صنعتی غرب روی داد. در این دوره، مأموریت اصلی خاورشناسان تأمین اطلاعات و داده‌های کافی برای دولت‌های استعمارگر در جهت بهره‌برداری بیشتر از آسیا و آفریقا بود و رویکرد مذهبی آنان به رویکرد سیاسی و اقتصادی تغییر یافت. این تغییر در انگیزه‌ها و رویکردها به تقویت بعد علمی و تحقیقی تلاش‌های آنان انجامید.^۱ ازجمله ویژگی‌های تلاش‌های این دوره، نگاه منصفانه به تاریخ و تمدن اسلامی؛ رشد بی‌سابقه حجم آثار پدید آمده و نگاه علمی و محققانه است.^۲ همچنین غرب در اواخر مرحله استعمار، (مرحله تحقیق علمی) و در میانه قرن ۱۹-۲۰م در ایجاد مراکز مطالعات اسلامی و شرق‌شناسی رشد فراوانی یافت. البته مستشرقان در لباس پژوهشگر، به دنبال کسب اطلاعات و اهداف درازمدت سیاسی و اقتصادی بودند. در این میان، برخی به سبب وجود اغراض استعمارگرانه یکسره با آنان به مخالفت برخاسته و به دستاوردشان بی‌اعتنایی کرده‌اند؛ تاجایی که بعضی از محققان این تلاش‌ها را ازجمله فعالیت‌های یهود برای سیطره بیشتر بر مراکز مطالعات اسلامی دانسته‌اند.^۳ برخی نیز شیدای اطلاعات علمی و ژست بی‌طرفی علمی شده‌اند که در آثار آنان دیده می‌شود، و اطلاعات آنان را همسنگ واقعیت محض پنداشته‌اند. به عبارت دیگر، تأثر و تأثیر در بررسی فعالیت مستشرقان قابل مشاهده است.^۴

به نظر می‌رسد هر دو دیدگاه راه به ناصواب پیموده‌اند و می‌توان با نگاهی بی‌طرفانه و انتقادی چنان‌که از دیرباز در فرهنگ اسلامی نهادینه شده، ضمن ملاحظه و بهره بردن از نقاط مثبت آثار آنان، از نقاط ضعف و تعصبشان نیز غافل نبود.^۵ این مقاله با مطالعه موردی کتاب *سفر به عربستان*، از یکی از برجسته‌ترین سفرنامه‌نویسان و مستشرقان جریان فوق، به دنبال نشان دادن زوایایی از نقاط مثبت *بورکهارت* به عنوان یک دانشمند شرق‌شناس، در کنار توجه به نقطه ضعف‌هایی است که در کار وی وجود دارد. این کار می‌تواند تلاشی برای اثبات نظریه اشاره شده در برخورد با آثار مستشرقان باشد؛ زیرا استانداردهای لازم برای این نظریه را می‌توان در بررسی کارنامه علمی وی درباره حرمین شریفین و حج، به دیگر موارد نیز تعمیم داد. مبنای این مقاله، باتوجه به در دسترس بودن ترجمه، ترجمه عربی کتاب است که در مصر به چاپ رسیده با نام: *ترحال فی الجزيرة العربیة یتضمن تاریخ مناطق الحجاز المقدسة عند المسلمین*، و تطبیق عبارات قابل مناقشه با نسخه تصویری اصل کتاب به زبان انگلیسی، که تحت عنوان

The travels in Arabia comperihandce an account of those territorien in Hedjaz which mohannedans regard as sacred

در سال ۱۸۲۹ در لندن منتشر شده و در آرشيو کتاب‌های گوگل به آن دست یافتیم، ولی در دسترس عموم نیست.

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuḩesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. محسن الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۸۰؛ علی بن ابراهیم الحمد النعمه، الاستشراق والاسلام فی المراجع العربیة، ص ۲۷.

۳. محسن الویری، مطالعات اسلامی در غرب، ص ۲۶.

۴. همان، ص ۲۵.

۵. همان، ص ۲۷.

معرفی نویسنده

جان لوئیس بورکهارت یکی از مستشرقان سوئیسی است. وی پس از تحصیلات و کسب مهارت‌های فراوان، به مأموریت‌های طولانی در کشورهای عربی رفت و در آخر، جان خود را نیز بر سر این کار گذارد. هرچند نتیجهٔ تحقیقات بورکهارت به طور مستقیم در اختیار استعمارگران قرار گرفت، اما می‌توان به جرئت ادعا کرد که وی یکی از بهترین و سودمندترین سفرنامه‌ها را در دویست سال اخیر دربارهٔ حرمین شریفین تدوین کرده است. با این حال و در کنار این اطلاعات مفید و ارزشمند، وی گاهی از جادهٔ بی‌طرفی علمی خارج شده و از سر ناآگاهی یا عناد و غرض‌ورزی، به عقیدهٔ اسلامی و مسلمانان تاخته و یا اطلاعات نادرستی را منتقل کرده است.^۱

وی پس از پایان تحصیلات دانشگاهی، در ۱۸۰۶م به انگلستان رفت و به خدمت سازمان مطالعات آفریقا و خاورمیانه درآمد. برای آمادگی در انجام مأموریت‌های این سازمان، به سال ۱۸۰۸م به دانشگاه «کمبریج» رفت و به آموختن زبان عربی، طب و نجوم پرداخت. از نکات مهم زندگی وی این است که او با هدف مسلمان و عرب معرفی کردن خود، نخست به سوریه رفت تا همراه تکمیل زبان عربی، با آیین اسلام آشنا شود. پس از آن بود که خود را *ابراهیم بن عبدالله* و از بازماندگان بردگانی معرفی کرد که *محمد علی پاشا* به آنها دست یافته بود. به نظر می‌رسد که این دو سال تنها برای کسب تجربه و تمرین زبان نبوده است. بورکهارت پس از دو سال اقامت در سوریه، نکات دقیقی را از آداب و رسم‌های بدویان آن مناطق در گزارش‌هایش نگاشته که دست‌مایهٔ تحقیقات غربی دربارهٔ صحرائشینیان مناطق عربی شده است. وی در سفرهایی که به خاورمیانه داشت، شهر تاریخی «پترا» در جنوب غربی اردن را کشف کرد. به سال ۱۸۱۲م با هدف یافتن سرچشمهٔ رود نیجریه به قاهره رفت. اما آن مناطق را بسیار دشوار گذر یافت و سفر اکتشافی خود را به طور موقت کنار نهاد.

پس از این ماجراجویی‌ها بود که مأموریت وی در حجاز شروع شد. وی به عنوان یک تاجر سوری، از طریق دریای سرخ وارد جده شد و مدتی را به مریضی در آن گذراند. پس از بهبودی به سمت طائف و ملاقات با *پاشا* رفت و سپس وارد مکه شد و سه ماه در آن جا توقف کرد و سپس به مدینه رفت. هرچند انگیزهٔ اصلی وی از سفر به مکه به روشنی بیان نشده، اما می‌توان ماهیت این تلاش را با توجه به نکاتی حدس زد:

– اهتمام و اصرار بورکهارت برای نگارش گزارش‌های سفر، به ویژه گزارش‌های دارای بار سیاسی، مانند گزارش ملاقات وی با *پاشا* که تمام گفت‌وگوهایش را به همراه تحلیل خط به خط ذکر کرده و تلاش مستمر برای ارسال گزارش‌ها به انگلستان (به‌گونه‌ای که دست‌نوشته‌هایش پیش از خود او به انگلستان رسید).

– سیاست انگلستان در آن دوره که با مراقبت از راه‌های منتهی به هندوستان، می‌کوشید جلوی نفوذ روزافزون رقیب قدرتمند خود فرانسه را در شرق بگیرد، به‌ویژه پس از شکست در هند که تلاش کرد با در اختیار گرفتن مصر و قطع پل ارتباطی میان هند و انگلستان، انگلستان را زیر فشار قرار دهد.

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazuhesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. جان لوئیس بورکهارت، *ترحال فی الجزيرة العربية*، ج ۲، ص ۲۵۸؛ محمدین احمد مالکی مکی، *تحصیل المرام فی اخبار البیت*

الحرام، ج ۱، ص ۵۵۱؛ ایوب صبری پاشا، *موسوعة مرآة الحرمین الشریفین و جزيرة العرب*، ج ۲، ص ۸۷۰

– حضور بورکهارت در شبه‌جزیره عربستان به هنگام درگیری و رویارویی محمدعلی پاشا و وهابیان که می‌توانست به اهداف انگلستان کمک کند.^۱

بورکهارت در ۲۱ آوریل ۱۸۱۵م از مدینه به سوی شهر بندری «ینبع» و از آنجا به سمت قاهره حرکت کرد و بدین‌سان، از عربستان بیرون آمد. وی در ژوئن ۱۸۱۵م به قاهره وارد شد تا به سفر خود برای کشف رودخانه نیجر ادامه دهد. پس از اینکه مدت‌ها منتظر تشکیل گروه و حرکت خود بود، بر اثر بیماری در ۱۵ اکتبر همان سال در قاهره درگذشت.

وی در حین سفر، یادداشت‌ها و نوشته‌های خود را به انگلستان مخابره می‌کرد. بنابراین، به نظر می‌رسد تنها جزئیات اندکی از سفر وی نامشخص مانده باشد. وی دست‌نوشته‌های خود را به دانشگاه «کمبریج» واگذار کرد. پس از مرگش، به سال ۱۸۲۹م ویلیام اوسی (William Ousey) از سوی مرکز مطالعات آفریقا و خاورمیانه در لندن، مجموعه نوشته‌های او از سفر به مکه و مدینه را در قالب دو مجلد با عنوان «Travels in Arabia» (سفر به عربستان) به چاپ رساند. این اثر به زبان انگلیسی و مجموعاً در ۸۸۱ صفحه با مقدمه‌ای از اوسی نگاشته شده است.^۲

همان‌گونه که گفته شد، سفرنامه بورکهارت نتیجه تلاش‌های او برای معرفی اسلام و جهان عرب است؛ اما برای به دست آوردن نگاهی جامع به آن، باید به نقاط ضعف و قوتش پرداخت. برای نقد منصفانه، ابتدا نقاط قوت و سپس نقاط ضعف آن را بررسی می‌کنیم.

الف. نقاط قوت

نقاط قوت سفرنامه بورکهارت در یک دسته‌بندی شامل این مطالب است:

۱. جامعیت و گستردگی مطالب

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت سفرنامه بورکهارت، توجه بسیار او در ارائه اطلاعات مربوط به ساحت‌های گوناگون جغرافیایی، تاریخی، مردم‌شناسی، معماری و فرهنگی است. وی در هر شهر، به قیمت انواع لباس، آب و انواع غذاهای موقعیت جغرافیایی شهرها، وضعیت معیشتی مردم، نوع پوشش آنان، اخلاق و عادت‌ها، معماری شهری، شکل بیرونی و داخلی خانه‌ها، وضع سیاسی و حکومت هر شهر پرداخته و در خصوص مکه، تاریخ و آداب مربوط به زیارت و معرفی تفصیلی و عمیق خاندان اشراف را نیز به آن افزوده است. وی سفرهای طولانی از جده به طائف و مکه و سپس مدینه داشته و گزارش آنها و نیز شرایط راه‌ها و مسافرت در آن روزگار را به زیبایی ترسیم کرده است. گاهی بورکهارت با جزئیات به آثار تاریخی کوچه‌های مکه نیز اشاره می‌کند. این اطلاعات – به‌ویژه با توجه به زمان حضور بورکهارت که پیش از ورود مظاهر انقلاب صنعتی به سرزمین حرمین است و در میانه دو سلطه وهابیت بر حرمین و در دوران قدرت حکومت عثمانی در مکه است – موجب شده تا بتوان با کمک گزارش‌های وی تصویر بهتری از شرایط آنجا به دست آورد و گزارش‌های جالبی از روند بازسازی اماکنی که بر اثر حمله اول وهابی‌ها به مکه، ویران شده بود، ارائه داد.

Tārīkh Islam dar Āyene-ye Pazuhesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. حسن السعید، مأموریت‌های مشکوک در سرزمین‌های مقدس، ص ۶۰.

۲. برگرفته از: زهرا نیستانی و سیدحمید رضا نجفی، «بورکهارت، جان لوئیس»، در: دانشنامه حج و حرمین، ج ۴، ص ۶۴۱. این کتاب به همت پژوهشکده حج و زیارت و ترجمه آقایان مقداد عبادی و هادی ولی‌پور با مقدمه و پاورقی‌های آقای محمدسعید نجاتی در دست انتشار است. این مقاله از ترجمه مزبور فراوان بهره برده است.

۲. توجه به تاریخ اجتماعی حرمین

«تاریخ اجتماعی»، حوزه‌ای از مطالعات تاریخی است که تلاش می‌کند رویدادهای تاریخی را از منظر جریان‌های اجتماعی بنگرد. بنابراین تعریف، تاریخ اجتماعی حوزه‌های گوناگون تاریخ اقتصادی، تاریخ حقوقی و تاریخ تحولات و هنجارهای اجتماعی را نیز شامل می‌شود. تاریخ اجتماعی از تاریخ سیاسی و نظامی و آنچه - به اصطلاح - «تاریخ مردان بزرگ» نامیده می‌شود، متمایز است. به سبب همین تمایز است که تاریخ اجتماعی را غالباً «تاریخ‌نگاری از پایین» می‌خوانند؛^۱ زیرا مهم‌ترین موضوع آن تاریخ تودهٔ مردم، یعنی تاریخ مردم عادی، زندگی و به‌ویژه زندگی روزانهٔ توده‌های مردم جامعه است. تلاش بورکهارت یکی از بهترین نمونه‌های این نگاه به تاریخ است که معمولاً در میان مورخان قدیم مهجور مانده بود.^۲ گزارش نگاه مسلمانان حجاز و نحوهٔ تعاملشان با مسیحیان کشورهای استعمارگر،^۳ نقد عادات اجتماعی مکیان در کنار بیان نکات مثبتشان؛^۴ توصیف گداهای مکه و زنان خیابانی‌اش؛^۵ نقد رفتار مسلمانان و انتقاد از بی‌توجهی و عمل نکردن آنان به دستورات اسلام^۶ از دیگر جلوه‌های تاریخ اجتماعی بورکهارت است. وی در گزارش از باورها و عادات و رسوم مردم مکه، با ذکر جزئیات سخن می‌گوید؛ مانند اینکه می‌نویسد: «در مکه این باور رایج است که هر کس کلهٔ بریان‌شدهٔ یک گوسفند را بر روی کوه ابوقیسی بخورد، برای همیشه از تمام سردردها در امان خواهد بود».^۷ یا این باور که در مکه هیچ‌کس ناامنی نخواهد دید یا محتاج غذا نخواهد شد.^۸

۳. تحقیق میدانی و بسنده نکردن به نقل

از امتیازات گزارش‌های بورکهارت، بسنده نکردن به نقل‌های منابع جغرافیایی و تطبیق داده‌های این منابع با واقعیت خارجی و ارزیابی آن است. برای نمونه، او با شنیدن اعتقاد مردم مکه، که آب چاه زمزم را یک معجزه می‌دانند که با وجود آبخوری‌های بی‌وقفه هرگز کم نمی‌شود، خود به آزمایش پرداخته و با استفاده از دلوه‌های آب‌کشی زمزم، در دو نوبت صبح و شب عمق چاه زمزم را ارزیابی کرده، در نهایت می‌گوید: «به‌طور قطع، عمق چاه نیز کم نمی‌شود»، و پس از این آزمایش نتیجه‌گیری کرده است که «چاه از یک جریان آب نهانی تأمین می‌شود».^۹

۴. دقت در نقل و اندازه‌گیری مکان جغرافیایی و توصیف دقیق آن

او در بسیاری از اماکن و مسافت‌ها، اندازهٔ دقیق آن را مشخص کرده و راه را برای آیندگان در شناخت واقعیت‌های این اماکن در قرن نوزدهم و ارزیابی داده‌های قبلی هموار ساخته است. برای مثال مترآژ و قطر دیوار قلعهٔ جدّه و

Tāriḫ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. سیدابوالفضل رضوی و شهرام رهنما، چستی خاستگاه و علل برآمدن تاریخ اجتماعی، ص ۶۴

2. <http://oral-history.ir/show.php?page,article&id;650>.

۳. جان لوئیس بورکهارت، ترحال فی الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۲۲۸.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۵۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۴۶.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۵۵.

۷. همان، ج ۱، ص ۲۲۰.

۸. همان، ج ۱، ص ۲۵۳.

۹. همان، ج ۱، ص ۱۸۴.

اندازه مغازه‌های بازار آن، اندازه دقیق اضلاع کعبه و شاذروان و جایگاه حجرالاسود، اندازه ارتفاع و قطر دیوار حجر اسماعیل، اندازه در کعبه و نام و خصوصیات کنونی و قدیمی درهای مسجدالحرام را بیان کرده است.^۱

۵. پشتکار و تلاش خستگی‌ناپذیر

با اندک تأملی در محل تولد و رشد و نمو بوركهارت و مقایسه آن با وضعیت سرزمین‌های عربی به ویژه شبه‌جزیره عربستان، می‌توان به روشنی دشواری‌هایی را که وی در این مأموریت بر خود هموار ساخت، تصور کرد. شاید این دشواری‌ها در حالت سلامت و با امکانات کنونی قابل اغماض باشد، ولی بوركهارت در طول مسافرت‌های طولانی خود، بارها گرفتار بیماری‌های شدیدی شد که او را تا مرز مرگ پیش برد (و در نهایت، جانش را در اثر یکی از همین بیماری‌ها از دست داد)؛ از جمله وی در جده مدتی به بیماری دچار گردید و در خانه بستری شد.^۲ در گرمای تابستان، با لباس احرام سوار بر شتر به حج رفت و گویا از بیم برنریختن شک همراهانش، با رعایت سختگیرانه‌ترین احکام مستحب، به انجام اعمال حج تظاهر کرد^۳ تا از معدود مستشرقانی باشد که به مکه راه یافته و از آن گزارش تهیه کرده‌اند.

ب. نقاط ضعف

از مهم‌ترین عوامل خطای مستشرقان، پیش از غرض‌ورزی‌ها و انگیزه‌های خائنانه آنان، محدودیتشان در دست‌رسی به منابع و تأثیرپذیری از محیط خارجی موضوع تحقیق است. این مسئله در آثار بوركهارت نیز به روشنی دیده می‌شود که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

یکم. خطاهای نقلی

در این قسمت، به برخی از خطاهایی که این نویسنده به خاطر نقل خطا یا خطای در نقل مطالب تاریخی، در اثر خود مرتکب شده است، اشاره می‌کنیم، بی‌شک، جز از جانب خداوند متعال، هیچ اثر بی‌خطایی وجود ندارد، اما روشنی خطاهای موجود در اثر بوركهارت، معیار خوبی برای جلوگیری از اعتماد کامل به اطلاعات آن، حتی در ساحت نقل، است.

۱. خطاهای مربوط به اماکن تاریخی

یکی از آسیب‌های جدی مکان‌های زیارتی و سیاحتی پرترفدار، مسخ و دگرگون شدن واقعیات تاریخی تحت تأثیر خطاها یا غرض‌ورزی‌های اشخاص با توجه به انگیزه‌های مختلف مادی یا مذهبی است. حرمین شریفین نیز در دوره عثمانی و با توجه به کم‌توجهی ساختاری و ضعف دولت مرکزی، دچار این آسیب شد؛ آسیبی که در نهایت، بهانه لازم را برای وهابیت فراهم کرد تا بسیاری از آثار اسلامی و تاریخی مسلمانان را به بهانه مبارزه با خرافات ویران کنند.

مثلاً مکانی در دره کوه ابوقبیس مشهور به «مکان شق القمر» را برخلاف احادیث و گزارش‌های رسیده از پیامبر اکرم ﷺ، میعادگاه مردم مکه برای دیدن ماه نو در اول ماه رمضان و ماه بعد از آن دانسته و شیوع این مسئله و داستان‌های مشابه از این دست را توسط اهالی مکه، به قصد اینکه با حمله از حجاج پول بگیرند، می‌شمارد.^۴

۲. گزارش بازسازی كعبه

وی هنگام بیان تاریخچهٔ بازسازی كعبه در زمان ابن زبیر و حجاج یادآور می‌شود که حجاج محل «حجر اسماعیل» را به بنای كعبه متصل ساخت اما ابن زبیر دوباره آن را جدا کرد.^۱ درحالی‌که، موضوع کاملاً برعکس است. ابن زبیر كعبه را توسعه داد و تلاش کرد طبق روایت عایشه آن را شکل دهد و ضمن ایجاد تغییراتی،^۲ با داخل کردن بخشی از «حجر اسماعیل» در كعبه، به استناد حدیث عایشه موجب شد تا با افزوده شدن ده ذراع (حدود پنج متر) به مساحت كعبه،^۳ دیوارهای هجده ذراعی آن کوتاه به نظر آید و همین سبب شد تا ابن زبیر دیوارهای كعبه را نیز به ارتفاع بیست و هفت ذراع برساند.^۴ ولی در سال ۷۳ق شهر مکه به دست حجاج بن یوسف ثقفی افتاد و عبدالله بن زبیر را به قتل رساند. وی با نوشتن نامه‌ای به عبدالملک مروان، خلیفهٔ وقت، از وی خواست تا اجازه دهد كعبه را به شکل قبلی خود درآورد و افزودهٔ ابن زبیر را کم کند. عبدالملک اجازه داد و آن مقدار از حجر اسماعیل را که داخل كعبه شده بود، دوباره از كعبه خارج شود. در این تغییر، تمام آنچه ابن زبیر عوض کرده بود، به حالت اول برگشت.^۵

۳. یکی پنداشتن حجرالاسود و حجر مُسَلَّم

بوركهارت میان «حجرالاسود» که در دیوار كعبه جای داشته و جلاکاری شده و طواف خانه با عبور از کنار آن شروع و به پایان می‌رسد و «حجر مُسَلَّم»، که بنا بر روایتی به پیامبر اکرم ﷺ هنگام عبور آن حضرت سلام می‌کرده، خلط نموده و این‌گونه تعبیر کرده است: «... اما هنوز هم کمی از دیوار خانهٔ كعبه بیرون زده شده تا نمایان باشد، و برای حرمت و قداستی که این سنگ دارد جلاکاری شده...».^۶ طبق گزارش‌های موجود، روبه‌روی خانهٔ پیامبر دو سنگ وجود داشت که به نام‌های «حجر مسلم» و «حجر متکا» (سنگ سلام‌کننده و سنگ تکیه‌گاه، که پیامبر با مرفق به آن تکیه دادند و اثر مرفق آن حضرت در آن نقش بست) شناخته می‌شدند و حجاج به یاد پیامبر اکرم ﷺ به آن تبرک می‌جستند و این دو سنگ هیچ‌گونه ارتباطی با حجرالاسود ندارند.^۷

۴. معرفی مقبرهٔ حضرت ابوطالب به جای محل تولد او

بوركهارت هنگام معرفی مکان‌های زیارتی مکه و قبرستان «معلاه»، گنبد تخریب‌شدهٔ منسوب به حضرت ابوطالب ﷺ در این قبرستان را محل تولد ایشان گزارش کرده،^۸ درحالی‌که هیچ مورخی از محل تولد ابوطالب ﷺ

Tāriḥ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵۸

۲. محمدسعید نجاتی، مدخل ابن زبیر، در: دانشنامه حج و حرمین شریفین، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳. اسماعیل بن عمر ابن کثیر، البداية و النهایة، ج ۸، ص ۲۵۱.

۴. محیی‌الدین ابن عربی، محاضرة الأبرار و مسامرة الأخیار، ج ۱، ص ۱۹۱؛ محمدبن عبدالله ازرقی، أخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۱، ص ۲۰۹.

۵. محمدبن عبدالله ازرقی، أخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، ج ۱، ص ۲۱۱؛ مطهرین طاهر مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۴، ص ۸۴

۶. جان لوئیس بوركهارت، ترحال فی الجزیرة العربیة، ج ۱، ص ۸۳

۷. محمدبن احمد مالکی مکی، تحصیل المرام فی أخبار البیت الحرام، ج ۱، ص ۵۵۱؛ ایوب صبری پاشا، موسوعة مرآة الحرمین الشریفین و جزیرة العرب، ج ۲، ص ۸۷۰

۸. جان لوئیس بوركهارت، ترحال فی الجزیرة العربیة، ج ۱، ص ۱۱۰

سخن نگفته و «معلاه» از قدیم «قبرستان قریش» و مقبره حضرت ابوطالب علیه السلام بوده است^۱ که وهابیان در حمله اول خود به مکه، گنبد و بارگاهش را ویران کردند.

دوم. خطاهای مربوط به آیین حج

آیین حج عبادتی کهن و رمزآلود است که علاوه بر ده‌ها میلیون مسلمان سراسر جهان، بسیاری از غریبان را نیز به خود جذب کرده و به شگفتی واداشته است. این شگفتی پس از دوران ابهام و ناآشنایی طولانی غرب با حج رخ داد؛ زیرا قانون ممانعت از ورود غیرمسلمانان به دو شهر مقدس مکه و مدینه موجب شده بود تا دست جهان‌گردان و مستشرقان مسیحی از رسیدن به آن کوتاه باشد، تا اینکه در قرون اخیر، بسیاری از آنان، به‌ویژه بورکهارت، با تظاهر به مسلمانی، به مکه درآمده، از نزدیک قالب خارجی و پوسته بیرونی حج را لمس کردند. در عین حال، برای مستشرقانی که با ادعای مسلمانی و به مدد سابقه‌های مجعول (و با وجود شک و تردید قاضی مکه درباره این ادعا)^۲ به حج رفته، دشوار بود تا تفسیر یا واقعیت بسیاری از آنچه را می‌بیند از دانشمندان عالی‌رتبه سؤال کند. به همین سبب، به جست‌وجوی پاسخ پرسش‌های خود به همراهانش یا به کتاب‌هایی که در اختیار داشت، بسنده می‌کرد. همین عامل به روشنی، خود را در داوری‌های بورکهارت نشان داده است.

۱) جاهلی و مشرکانه دانستن حج

وی تقدیس و احترام به کعبه را میراثی از سنت بت‌پرستان مکه می‌داند که در عربستان رواج داشته است و ادعا می‌کند که حج محمدی یا زیارت کعبه چیزی جز ادامه و تصدیق رسومی باستانی نیست.^۳ این در حالی است که به شهادت مورخان تاریخ عرب و کهن‌ترین متون تاریخی، مانند قرآن کریم (با چشم‌پوشی از اعتقاد به حقانیت آن)، حج محمدی و اسلامی بر پایه حج ابراهیمی است حضرت ابراهیم علیه السلام پدر اعراب شمالی و بازسازی‌کننده کعبه است و سنت‌های بسیاری از ایشان در میان مردم جزیره‌العرب و ادیان دیگر پایدار مانده است.^۴ البته پس از دوران ابراهیم، انحرافات در حج رخ داد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را در سنت خود تصحیح کردند و به روش حضرت ابراهیم علیه السلام بازگرداند. در همین زمینه بورکهارت حج جاهلیت را تنها تقدیس‌بت‌ها تعبیر کرده است،^۵ با اینکه دقت در لیبک‌های قبایل گوناگون در جاهلیت نشان از آن دارد که آنان به قصد زیارت الله و در کنار آن، توجه به بت‌های خود به حج می‌رفتند و آیات قرآن گواه بر اعتقاد آنان به آفریدگاری الله است و تنها بت‌ها را در ربوبیت و شفاعت دخیل می‌دانستند.^۶

۲) اجباری دانستن طواف برهنه در حج جاهلیت

بورکهارت تحت تأثیر گزارش‌های ناقصی که شنیده بود، اعتقاد داشت در جاهلیت، مردان و زنان به اجبار باید به‌طور

Tāriḥ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. محمدبن اسحاق فاکهی، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۴، ص ۶۰.

۲. جان لوئیس بورکهارت، ترحال فی الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۹۹.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۲۸.

۴. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۱۱، ص ۷.

۵. جان لوئیس بورکهارت، ترحال فی الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۱۹.

۶. ابوالمنذر هشام بن محمد کلی، کتاب الأصنام، ص ۷؛ محمدرضا جباری، «عبادت‌های جاهلی از منظر قرآن»، ص ۱۲۱.

کامل برهنه می‌بودند، تا شاید گناهانشان با درآوردن لباس‌هایشان بدر آورده شود.^۱ این در حالی است که با مراجعه به منابع، مشخص می‌شود که در جاهلیت، قانون الزامی برای برهنه بودن طواف‌کنندگان نبود، بلکه کسانی که از قبایل «حمس» نبودند و در اصطلاح «اهل حل» نامیده می‌شدند، اعتقاد داشتند که با لباس خود، که آلوده به گناه بوده نمی‌توانند طواف کنند و برای طواف پیرامون کعبه یا باید از اهل «حمس» و طوایف خاص مکه لباسی کرایه یا عاریه کنند و یا لباس‌های خود را، که در آن طواف کرده‌اند، بعد از طواف رها کنند، یا مردان کاملاً برهنه و زنان تنها با یک زیرپیراهنی و لباس زیر طواف کنند. این سنت پس از اسلام برچیده شد.^۲

۳) تصور خطا از فصل و زمان حج در جاهلیت

بوركهارت گمان برده که حج جاهلی تنها در فصل پاییز انجام می‌شده و تغییر نمی‌کرده است. این پندار وی برآمده از تفسیر نادرستی است که از سنت جاهلی «نسیء» داشته و آن را اینچنین تفسیر کرده است: «گرچه عرب‌ها ماه‌های قمری را به حساب می‌آوردند، در هر سه سال، یک ماه را جا می‌گذاشتند»،^۳ درحالی که جابه‌جا کردن ماه‌ها در جاهلیت، بیش از آنکه به خاطر یافتن فصل مطلوب برای حج‌گزاری باشد، برای تأمین امنیت مناسب رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری در کنار امکان ادامهٔ جنگ‌های طولانی در ماه‌های حرام بود؛ زیرا با توجه به اقلیم حجاز، دمای هوا تفاوت چندانی در زمستان و تابستان ندارد. براساس گزارش مورخان عرب، ملاک محاسبه از قدیم ماه قمری و سال‌های قمری با مبداهای متفاوت (بازسازی کعبه، تولد عمرو بن ربیع، تولد کعب بن مره و مانند آن) بود و تنها در دویست سال پیش از بعث پیامبر، آن را با محاسبهٔ نسیء، در فصل بهار قرار دادند.^۴

سوم. خطاهای مربوط به احکام حج و عمره

وی به هنگام توضیح دادن اعمال عمره، ادعا می‌کند که طبق تعالیم اسلام، بر هر کس که وارد شهر مکه می‌شده واجب بوده است تا به محض ورود، به زیارت خانهٔ خدا برود، خواه حاجی باشد یا نباشد، و قبل از انجام این کار، نباید به هیچ کار دنیوی بپردازد.^۵ اما چنین دستوری در فقه اسلامی وجود ندارد و حج‌گزار مانند همه مسافران دیگر می‌تواند پس از استراحت و شست‌وشوی خود، به زیارت کعبه و طواف برود، بلکه این کار با دستورات پیشوایان دین تناسب بیشتری دارد.^۶

یک. خلط مستحبات با واجبات در آداب مسجدالحرام و حج

وی تحت عنوان «آیین‌هایی که باید در ورود به مسجد انجام گیرد»، بسیاری از آداب غیرالزامی در حج و عمره را - که خود جزئیاتش را بسیار کسل‌کننده می‌داند - آورده و آن را دستوری واجب پنداشته که تخلفش موجب ایجاد مشکل در

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. جان لوئیس بوركهارت، ترحال فی الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۲۹.
۲. محمد بن عبد الله ازرقی، أخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار، ج ۱، ص ۱۷۴؛ علی بن ابی‌الکرم ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۱، ص ۴۵۲؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۱۱، ص ۳۷۵.
۳. جان لوئیس بوركهارت، ترحال فی الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۱۹.
۴. محمد طاهر کردی، التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم، ج ۱، ص ۲۵۷.
۵. جان لوئیس بوركهارت، ترحال فی الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۱۲۴.
۶. محمد ناصرالدین البانی، مناسک الحج والعمرة، ص ۱۹؛ سیدعلی قاضی عسکر، آداب سفر حج، ص ۱۷۶.

عبادت می‌شود؛^۱ زیرا خود شاید از بیم برنیاگیختن شک دیگران بر صداقتش در اسلام، همه این آداب را پا به پای مطوف انجام داده و همه دعاهای لازم را با او تکرار کرده است. نگرانی او را می‌توان از متابعت کامل تعلیمات راهنما و مرشد اعمال حج^۲ و گزارش تهدید ضمنی که از قاضی مکه نسبت به ورودش به مکه نقل کرده است، دریافت.^۳

دو. ادعای الزامی بودن همراهی محرم با زن در فقه اسلامی

وی گمان کرده که براساس فقه مسلمانان، هیچ زن مجردی نباید مناسک حج انجام دهد،^۴ درحالی‌که این جزو دستورات شریعت نیست، بلکه فتوای فقهی برخی از مذاهب همچون حنبلی و حنفی برخلاف مالکی و شافعی و شیعه این است که همراه بودن مرد محرمی را برای حج زن شرط می‌دانند.^۵ بنا بر نظر اکثر فقها، اگر زنی بتواند بدون داشتن محرم و بدون خطر و به گناه افتادن، به حج برود همراه داشتن محرم لازم نیست.^۶

چهارم. خطاهای تحلیلی

در این قسمت، خطاهایی ذکر شده که ناشی از تحلیل و برداشت غلط بورکهارت از متون، منابع یا رفتار اجتماعی یا سخنان افرادی است که با آنها مرتبط بوده است:

۱. انتقاد جاهلانه از برده‌داری در سیره پیامبر اکرم ﷺ

وی بدون توجه به تلاش‌های پیامبر خدا ﷺ برای از بین بردن برده‌داری و تاریخ ننگین برده‌داری در غرب، آن حضرت را عامل ترویج برده‌داری به دنبال ترویج اسلام تا شمال آفریقا دانسته است.^۷ برده‌داری و کنیزداری در هنگام ظهور اسلام، در همه مناطق متمدن جهان در جریان بود و اسلام برای ریشه‌کن کردن آن در سطح جهان، فرایندی درازمدت را اجرا کرد. در نتیجه این فرایند، بدون تغییر خطرناکی در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی رایج، به تدریج، برده‌داری از سطح جامعه اسلامی و مسلمانان ریشه‌کن شد. حذف ناگهانی برده‌داری، برای حکومت نوپای پیامبر اکرم ﷺ ممکن نبود، بلکه فرصتی را که برای تحلیل رفتن و تغییر فرهنگ بردگان کافر در جامعه اسلامی وجود داشت، را از بین می‌برد. از این رو، اسلام ضمن تأکید بر حقوق بردگان، طی مراحل و به تدریج، برده‌داری را به مرز نیستی کشاند. این تلاش‌ها موجب شد تا تنها تعداد اندکی از مردمان ناتوان، که به‌تنهایی از اداره زندگی خود بر نمی‌آمدند به عنوان خدمت‌کار و برده در جامعه یافت شوند، و اگر از بردگانی که بدون روش صحیح و بلکه با غارت و تعدی به وسیله مستعمران اروپایی و گاهی عثمانی از شهرها و وطن خود روده و به استخدام درمی‌آمدند بگذریم، در جامعه آن روز مسلمانان، برده چندان باقی نمانده بود.

Tārikh Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. جان لوئیس بورکهارت، *ترحال فی الجزيرة العربية*، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۹۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۴۴.

۵. محمدبن احمد السرخسی، *المبسوط*، ج ۴، ص ۱۱۰؛ محمدبن احمد ابن‌رشد، *بداية‌المجتهد و نهاية‌المقصد*، ج ۲، ص ۸۷.

۶. حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، *حج در آینه فقه*، ج ۱، ص ۱۸۱.

۷. جان لوئیس بورکهارت، *ترحال فی الجزيرة العربية*، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. انتقاد از سنت احرام

وی احرام بستن را، چه در تابستان و چه در زمستان، مایهٔ زحمت و برای سلامتی مضر می‌داندست، ولی خود به علت گرفتار شدن در جمعی پرشور، مجبور به تظاهر به احرام شده بود.^۱ اما همهٔ فقیهان مسلمان هم‌نظرند که اگر کسی به خاطر احرام گرفتار مریضی شود یا از مریض شدن بیم داشته باشد، می‌تواند در صورت امکان، بدون بستن تکمه‌های لباس دوخته، آن را بپوشد و اگر ناگزیر از پوشیدن لباس دوخته است، این کار برای او اشکال ندارد و تنها باید برای جبران ثوابی که از دست داده است، گوسفندی قربانی کند.^۲ در فصل‌های معتدل و گرم سال، که هوای حجاز گرم است، پوشیدن لباس احرام از نظر سردی و گرمی تأثیری ندارد و بلکه دل‌پذیرتر است. بنابراین، مضر دانستن لباس احرام سخن درستی نیست.

از سوی دیگر، شاید بتوان گفت: برای کسانی که عادت به پوشیدن لباس دوخته دارند، در حال عادی پوشاندن بدن با دو تکه لباس کمی دشوار است، اما توجه به آثار معنوی و روانی این عمل، که گذشته از بعد معنوی با تنوع‌طلبی و ماجراجویی انسان نیز سازگار است، نه تنها سخت و دشوار نیست، بلکه بسیار دل‌نشین و گوارا و از خاطرات فراموش نشدنی حج و عمره به‌شمار می‌آید، و توجه به بار معنوی و عرفانی احرام آن را از شیرین‌ترین اعمال حج کرده است. شاهد این مدعا آن است که شیرینی احرام آنچنان است که - چنان که خود بورکهارت اشاره کرده - بسیاری از حاجیان، حتی اگر ماه‌ها قبل از مراسم حج هم به نزدیکی مکه برسند، تا پایان مناسکشان در عرفات با نذر محرم می‌شوند و بنابراین، ماه‌ها، شبانه‌روز در احرام می‌مانند، درحالی که احرام جز هنگام عمره و حج واجب نیست.

۳. کنایه زدن به اعتقاد حفظ کعبه

بورکهارت تحت تأثیر اعتقاد عوامانهٔ اهل مکه، که معتقد بودند شهرشان با تمام ساکنانش تحت حفاظت ویژهٔ پروردگار است، روایاتی را که دربارهٔ اهمیت کعبه آمده، به ریشخند می‌گیرد: «از تاریخ بنای مقدس این‌طور برمی‌آید که این فرشتگان (محافظ کعبه) در انجام وظایفشان بی‌مبالاتی کرده‌اند.»^۳ این در حالی است که بنا بر نص قرآن کریم، مسلمانان معتقدند که فرشتگان در آنچه به آن فرمان داده شده‌اند عصیان نمی‌کنند و فرمان را بجا می‌آورند؛ و این روایات بر فرض صحت انتسابشان به معصوم، به معنای اهمیت والای کعبهٔ مقدس نزد خداوند متعال و آسمانیان است، و امنیت کعبه به معنای وجوب در امان ماندن آن است، نه امن بودن خودکار و طبیعی آن.

۴. مهریهٔ دختران مکه

وی مهریهٔ دختران مکه را قیمتی دانسته است که طبقات ثروتمند مکه بابت دختران باکره پرداخت می‌کنند.^۴ ولی روشن است مالی که از نظر حقوقی، شوهر به همسرش باید بپردازد، «صداق» یا «مهریه» نام دارد، و این نشان

۱. همان، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲. مرتضی موسوی شاهرودی، مناسک عمرهٔ مفرده مطابق با فتاوی مراجع تقلید، ص ۴۳.

۳. جان لوئیس بورکهارت، ترحال فی الجزيرة العربية، ج ۱، ص ۲۵۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۰۲.

دوستی و محبت شوهر به همسر است، و پس از انجام عقد، به عنوان دینی لازم الوفا، برعهده شوهر می‌آید، گرچه مهریه هیچ سقفی ندارد و بنا بر فرمان قرآن کریم، اگر طلا آنچنان که در پوستی از گاو بگنجد (قنطار) مهریه زنی شد، باید به او پرداخت شود. (نساء: ۲۰) با وجود این، پیامبر اکرم ﷺ در کنار ساده گرفتن عروسی، به کم بودن مهریه به عنوان یکی از ملاک‌های خوش‌یمنی عروس توصیه کرده^۱ و نمی‌توان مهریه را قیمت عروس دانست؛ چنان که دیه در اسلام نیز قیمت انسان نیست.

۵. ناآگاهی نسبت به مذاهب اسلامی

وی تحت تأثیر فضای مردم عامی مکه در آن روز، فرقه اسماعیلیه را فرقه‌ای بت‌پرست و هندی، و حاجیان ایرانی معروف به «شیعه مولا علی» را مخالفان پیامبری حضرت محمد ﷺ و پیروان بلافصل ایشان معرفی می‌کند.^۲ ناآگاهی بورکهارت از آیین فرقه اسماعیلیه و اتهام آنان به بت‌پرستی احتمالاً به سبب جوسازی‌های حاکم بر مکه بوده، و گر نه فرقه اسماعیلیه یکی از فرقه‌های باسابقه مسلمانان و یکی از شاخه‌های شناخته‌شده شیعه هستند، و به امامت فرزندان پیامبر از نسل امام علی علیه السلام تا اسماعیل فرزند جعفرین علیه السلام اعتقاد دارند. رفتار حکام سابق و امروزی مکه با آنان و راه دادنشان به مکان‌های مقدس مسلمانان به دلیل اعتبار دادن به آنان به عنوان شاخه‌ای از مسلمانان است. همچنین بورکهارت ایرانیان شیعه و پیروان اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان مخالفان پیامبر اکرم ﷺ و صحابه و اهانت‌کننده به آن حضرت معرفی کرده، درحالی که محبت شیعیان به پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت، از مذاهب دیگر بیشتر است و این اتهام تنها از سوی غرض‌ورزان و معاندان شیعه به آنان نسبت داده شده و بورکهارت تحت تأثیر این فضا قرار گرفته است. همین ناآگاهی در خصوص زبیده نیز رخ داده است. بورکهارت مذهب زبیده یمن و اشراف زبیدی مکه را دو مذهب جدا از هم می‌داند و نمی‌تواند اختلاف روشنی میان آنها و مذاهب سنی نشان دهد، درحالی که هر دو زبیدی هستند. و زبیده یکی از انشعابات مذهب تشیع است و آنان قایل به خلافت بلافصل امیرمؤمنان هستند^۳ و حکام مکه نیز از آنان بودند.^۴

۶. تحلیل غلط نسبت به کاربرد لقب خان در حجاز

بورکهارت، که با استعمال پسوند «خان» در نام ترک‌ها بسیار مواجه شده، به گمان اینکه ریشه این کلمه عربی است، آن را به معنای «خیانت» ترجمه کرده و برپای این خطای خود، تحلیلی نسبت به غرور عرب‌ها ساخته است، درحالی که «خان» واژه‌ای با ریشه ترکی به معنای «رئیس و امیر و بزرگ»، و در فارسی نیز پرکاربرد است. «خان (ترکی، ا) رئیس. امیر. بزرگ. رئیس به نزد ترکان»^۵. غفلت بورکهارت از این معنا، موجب شده است که آن را از ریشه (خ و ن) عربی به معنای «خیانت» بداند.

Tāriḥ Islam dar Āyene-ye Pazhuhesh _____ Vol.15, No.2, Fall & Winter 2018-2019

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.
۲. جان لوئیس بورکهارت، ترحال فی الجزیره العربیة، ج ۱، ص ۲۵۸.
۳. محمدجواد مشکور، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۲۱۴.
۴. جان لوئیس بورکهارت، ترحال فی الجزیره العربیة، ج ۱، ص ۲۸۶.
۵. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه «خان».

او می‌گوید: عرب‌ها، که حقاًَ به خاطر غرور و اعتماد به نفس در خصوص حس برتر بودن از دیگران شه‌ره‌اند، در عربستان به همهٔ ترک‌ها واژهٔ «خائن» را نسبت می‌دهند. طبقات پایین‌تر عرب‌ها در یکی از عناوین برجسته‌ای که به آقا می‌دهند کلمهٔ «خان» را پیدا کرده‌اند و از این کلمه، در مقابل ترک‌ها استفاده می‌کنند و البته با تمسخر، کلمه‌ای از تاتار باستان که از فعل «ق م م، لو دادن» مشتق شده است و این گونه اظهار می‌دارند که یکی از نیاکان سلطان، یک فراری را لو داد تا لقب ننگین «سلطان خان» را از آن خود کند. اصل این عبارت به معنای «سلطان خائن بوده است» می‌باشد، و این عنوان صرفاً برای جانشینان سلطان محفوظ باقی‌مانده که ناشی از جهل و نادانی ایشان از زبان عربی است.^۱

نتیجه‌گیری

منطقی‌ترین برخورد با دستاوردهای علمی مستشرقان دربارهٔ حرمین شریفین، استفاده از داده‌ها و اطلاعات ارزشمند آنان در عین هوشیاری و مراقبت نسبت به خطاهای علمی طبیعی و احیاناً غرض‌ورزی‌ها و تعصبات آنان است. میراث علمی بورکهارت به عنوان نمونه‌ای از این تلاش‌ها، به روشنی به ما نشان می‌دهد که این افراد چگونه با سخت‌کوشی و تلاش خستگی‌ناپذیر به جمع‌آوری و تحلیل داده‌هایی پرداخته‌اند که در ابعادی همچون تاریخ اجتماعی حرمین، تحقیقات میدانی و اندازه‌گیری و مقایسه جغرافیایی، کم‌نظیر یا بی‌نظیر است، هرچند نمی‌توان خطاهای علمی محتمل آنان را انکار کرد یا تعصبات و غرض‌ورزی‌هایشان را نادیده انگاشت. می‌توان جامعیت گستردگی مطالب، توجه به تاریخ اجتماعی حرمین، تحقیق میدانی و بسنده نکردن به نقل، دقت در نقل و اندازه‌گیری مکان جغرافیایی و پشتکار را از نکات مثبت این کار بورکهارت دانست؛ کاری که در آثار برخی دیگر از مستشرقان عرصهٔ حرمین و حج نیز مشاهده می‌شود. در این میان، خطاهایی همچون خطاهای نقلی، خطاهای مربوط به امکان تاریخی و آیین و احکام حج و عمره و نیز خطاهای تحلیلی مانند انتقادات از سر ناآگاهی دربارهٔ سیرهٔ پیامبر اکرم ﷺ، و سنت احرام و اعتقاد به کعبه و مهریهٔ دختران مکه نیز وجود دارد که باید نسبت به آن هشیار بود.

منابع.....

- ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن رشد، محمدبن احمد، *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، قاهره، دار الحديث، ۱۴۲۵ق.
- ابن عربی، محیی‌الدین، *محاضرة الأبرار و مسامرة الأخیار*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، *البداية و النهاية*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ازرقی، محمدبن عبدالله، *أخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار*، بیروت، دار الأندلس، ۱۴۱۶ق.
- البانی، محمدناصرالدین، *مناسک الحج و العمرة*، بی‌جا، مکتبه المعارف، بی‌تا.
- بور کهارت، جان لوئیس، *ترحال فی الجزيرة العربیة یتضمن تاریخ مناطق الحجاز المقدسة عند المسلمین*، قاهره، مرکز القومی لترجمه، ۲۰۰۷م.
- جباری، محمدرضا، «عبادات‌های جاهلی از منظر قرآن»، *تاریخ در آینه پژوهش*، ۱۳۸۳، سال دوم، ش ۳، ص ۱۱۳-۱۴۲.
- الحمد النعمه، علی بن ابراهیم، *الاستشراف و الاسلام فی المراجع العربیة*، بی‌جا، بیسان، ۱۴۳۱ق.
- حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، *حج در آینه فقه*، تهران، مشعر، ۱۳۹۴.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رضوی، سیدابوالفضل و شهرام رهنما، «جیستی خواسگاه و علل برآمدن تاریخ اجتماعی»، *تاریخ اسلام*، ش ۶ ص ۵۹-۸۴.
- السرخسی، محمدبن احمد، *المبسوط*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴ق.
- سعید حسن، «مأموریت‌های مشکوک در سرزمین‌های مقدس»، *میقات حج*، ۱۳۸۱، ش ۴۱، ص ۴۸-۷۴.
- صبری پاشا، ایوب، *موسوعة مرآة الحرمین الشریفین و جزيرة العرب*، قاهره، دار الافاق العربیة، ۱۴۲۴ق.
- علی، جواد، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، چ چهارم، بی‌جا، دارالساقی، ۱۴۲۲ق.
- فاسی، محمد بن احمد، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، تعریب محمد علی عونى، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۶ش.
- فاکهی، محمدبن اسحاق، *أخبار مكة فی قدیم الدهر و حدیثه*، چ چهارم، مکه مکرمه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۴ق.
- قاضی عسکر، سیدعلی، *آداب سفر حج*، چ دوم، تهران، مشعر، ۱۳۸۲.
- کردی، محمداطهر، *التاریخ القویم لمكة و بیت‌الله الکریم*، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۰ق.
- کلبی، هشام‌بن محمد ابوالمنذر، *کتاب الأصنام (تنکیس الأصنام)*، تحقیق احمد زکی باشا، چ دوم، قاهره، افست تهران (همراه با ترجمه)، نشر نو، ۱۳۶۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، چ چهارم، تهران، الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- مالکی مکی، محمدبن احمد، *تحصیل المرام فی أخبار البیت الحرام*، مکه مکرمه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۴ق.
- مشکور، محمدرضا، *فرهنگ فرق اسلامی*، چ دوم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- مقدسی، مطهرین طاهر، *البدء و التاریخ*، بی‌جا، مکتبه الثقافة الدینیة، بی‌تا.
- موسوی شاهرودی، مرتضی، *مناسک عمره مفردة مطابق با فتاوی مراجع تقلید*، تهران، مشعر، ۱۳۸۷.
- نجاتی، محمدسعید، «مدخل ابن‌زبیر»، در: *سایت دانشنامه حج و حرمین شریفین*، شناسه مطلب ۸۶۳۴۰، ۱۳۹۲.
- نیستانی، زهرا و سیدحمیدرضا نجفی، «مدخل بور کهارت جان لوئیس»، در: *سایت دانشنامه حج و حرمین شریفین*، شناسه مطلب ۸۶۷۵۰، ۱۳۹۲.
- الویری، محسن، *مطالعات اسلامی در غرب*، تهران، سمت، ۱۳۸۱.